

رنج و جلال در مزمور ۲۲ نویسنده: دبلیو. رابرت گادفری

مزمور ۲۲ با دردناک‌ترین زاری در تاریخ بشریت آغاز می‌شود: «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟» اینها کلماتی هستند که عیسی در عمق دردهای خود روی صلیب، بر زبان آورد. رنج او منحصر به فرد بود، چون او خود را برای گناهان قوم خویش فدا کرد و بنابراین، مایلیم تا این زاری را منحصر به عیسی ببینیم. اما چنین رویکردی به این کلمات کاملاً اشتباه است. عیسی کلماتی بی‌مانند که ترجمان رنج‌های او باشند نمی‌گفت. بلکه از مزمور ۲۲: ۱ نقل‌قول می‌کرد. این کلمات نخستین بار توسط داوود ادا شدند و او از طرف تمام قوم خدا صحبت می‌کرد. از آنجا که این کلمات به مسیح و همهی قوم او مربوط می‌شوند، برای درک کامل آنها لازم است که بر این کلمات و کل مزمور تأمل کنیم.

مزمور با بخشی شروع می‌شود که دعای ناشی از تقلای داوود، در آن غالب است (آیات ۱-۲۱). در درجه‌ی اول، داوود در حال بیان تجربه‌ی خود از احساس ترک شدن توسط خدا است. در اینجا شدیدترین رنجی وجود دارد که خادم خدا می‌تواند آن را حس کند - نه تنها دشمنان او را محاصره کرده‌اند (آیات ۷، ۱۲-۱۳) و جسم او در دردی وحشتناک قرار دارد (آیات ۱۴-۱۶)، بلکه احساس می‌کند خدا او را نمی‌شنود و اهمیتی به رنج‌های او نمی‌دهد. این فقط تجربه‌ی داوود نیست؛ تجربه‌ی تمام قوم خدا در رویارویی با سختی‌های هولناک است. ما شگفت‌زده می‌شویم که وقتی در چنین دردهایی هستیم، چطور پدر آسمانی و پر محبت ما می‌تواند بیکار بایستد.

با اینحال حتی در این درد شدید، داوود هرگز ایمان خود را از دست نداد و به ورطه‌ی ناامیدی کامل سقوط نکرد. غم و اندوه او، وی را به دعا سوق داد و اولین کلمات دعا، «خدای من» هستند. حتی در رنج و حیرت خود درباره‌ی راه‌های خدا از آگاهی خود مبنی بر اینکه خدا، خدای اوست، دست بر نمی‌دارد. او در میانه‌ی اندوه خود، آن ایمان را با صراحت بیان می‌کند. او وفاداری گذشته‌ی خدا در تاریخ اسرائیل را به یاد می‌آورد: «پدران ما بر تو توکل داشتند؛ بر تو توکل داشتند و ایشان را خلاصی دادی؛ نزد تو فریاد بر آوردند و رهایی یافتند؛ بر تو توکل داشتند، پس خجل نشدند» (آیات ۴-۵). سپس، داوود مراقبت گذشته‌ی خدا در زندگی شخصی خود را به یاد می‌آورد: «زیرا که تو مرا از شکم بیرون آوردی؛ وقتی که بر آغوش مادر خود بودم مرا مطمئن ساختی. از رحم بر تو انداخته شدم؛ از شکم مادرم خدای من تو هستی» (آیات ۹-۱۰).

یک مرهم روحانی مکرر در مزامیر، پر ساختن ذهن از خاطرات وفاداری خدا در گذشته برای اطمینان از وفاداری او در زمان حال است.

امید داوود را در جدیت وی در دعا برای تسکین حال حاضر نیز می‌بینیم. او می‌داند که خدا می‌تواند کمک کند و به خدا به عنوان تنها کسی که می‌تواند کمک کند رو می‌آورد: «اما تو ای خداوند، دور مباش. ای قوت من، برای نصرت من شتاب کن» (آیه ۱۹). ما هرگز نباید دست از دعا کردن بر داریم؛ حتی در عمیق‌ترین پریشانی‌های مان.

جان کالون در تفسیر خود اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که احساس ترک شدن از سوی خدا بسیار بیشتر از آنکه منحصر به مسیح یا در مورد ایمانداران، نادر باشد، کشمکش مرتب و مکرر برای ایمانداران است. او می‌نویسد، «هیچ فرد خداشناسی وجود ندارد که هر روز در خود همین تجربه‌ی مشابه را نداشته باشد. بنا بر قضاوت جسم، او فکر می‌کند که از سوی خدا دور انداخته و ترک شده است، در حالیکه هنوز فیض خدا را با ایمان در می‌یابند که از چشمان حس و عقل پنهان است.» ما نباید فکر کنیم که زندگی مسیحی آسان است و یا مجبور نیستیم که روزانه صلیب خود را حمل کنیم.

این مزبور نه تنها تجربه‌ی هر ایماندار است، بلکه همچنین نبوتی بسیار قابل توجه و ویژه از رنج‌های عیسی است. ما صحنه‌ی صلیب را بخصوص به طور واضح در این کلمات می‌بینیم: «سگان دور مرا گرفته‌اند؛ جماعت اشرار مرا احاطه کرده، دست‌ها و پای‌های مرا سفته‌اند. همه‌ی استخوان‌های خود را می‌شمارم. ایشان به من چشم دوخته، می‌نگرند. رخت مرا در میان خود تقسیم کردند و بر لباس من قرعه انداختند» (آیات ۱۶-۱۸). در اینجا می‌بینیم که این مزبور به کمال تحقق خود درباره‌ی عیسی می‌رسد.

عیسی این مزبور را می‌دانست و از آنجا که روی صلیب غم‌ها و رنج‌های ما را متحمل می‌شد، از کلمات ابتدایی آن نقل قول کرد تا با ما در رنج‌های مان هم‌ذات‌پنداری کند. «پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا به وساطت موت، صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباه سازد» (عبرانیان ۲: ۱۴). عیسی ما را با جایگزین ما شدن و قربانی برای گناهان ما، نجات‌مان می‌دهد.

در قسمت دوم این مزبور، لحن و حالت به طور چشمگیری تغییر می‌کند. دعای ناشی از تقلا، تبدیل به ستایشی پر حرارت می‌شود. مزبور نویس از ستایش مملو است: «در میان جماعت تو

را تسبیح خواهیم خواند» (آیهی ۲۲). او برادران خود را نیز می‌خواند تا برای ستایش خدا به او بپیوندند: «ای ترسندگان خداوند او را حمد گویند» (آیهی ۲۳).

این ستایش پر حرارت، به‌خاطر پیروزی راه‌های خدا است. شکستی که در ابتدای مزمور قطعی به نظر می‌رسید، اکنون در کام پیروزی فرو رفته است. این پیروزی نه تنها شخصی یا فردی است، بلکه جهانی نیز خواهد بود. این ستایش، بر وعده‌های وافر متکی است: «جمع کرانه‌های زمین متذکر شده، به سوی خداوند بازگشت خواهند نمود؛ و همهی قبایل امت‌ها به حضور تو سجده خواهند کرد... همهی متمدولان زمین غذا خورده، سجده خواهند کرد؛ و به حضور وی هر که به خاک فرو می‌رود رکوع خواهد نمود» (آیات ۲۷، ۲۹). پس از رنج، جلال یک پادشاهی جهانی از راه می‌رسد.

پیروزی خدا نه تنها بر همهی جهان تاثیر می‌گذارد، بلکه تا نسل‌ها گسترش می‌یابد: «ذریتی او را عبادت خواهند کرد و دربارهی خداوند طبقه‌ی بعد را اخبار خواهند نمود» (آیهی ۳۰). تصویر اینجا فقط دربارهی پیروزی کوتاه‌مدت راه‌های خدا نیست، بلکه تضمینی از آن است که زمان رنج منتهی به زمان گسترش آگاهی دربارهی خدا در سرتاسر زمین خواهد شد. و بدون شک، از زمان پتیکاست شاهد تحقق این وعده هستیم. امروزه عیسی را در همهی دنیا می‌شناسند و می‌پرستند. حتی با اینکه هنوز رنج در این دنیا ادامه دارد، می‌بینیم که وعده‌ی مسیح محقق شده است: «کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت» (متی ۱۶: ۱۸).

این پیروزی، کار خداست: «زیرا سلطنت از آن خداوند است و او بر امت‌ها مسلط است» (آیهی ۲۸). او یگانه‌ای است که در نهایت راه‌های خود را پیروز می‌گرداند. خدا پیروزی‌اش را از طریق ابزاری که استفاده می‌کند به دست می‌آورد. و داوود خود را ابزاری در دست خدا می‌بیند؛ به طور خاص در اعلام نیکویی و رحمت خدای خود: «نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد» (آیهی ۲۲). همانطور که در عبرانیان ۲: ۱۲ به ما گفته شده است، عیسی نیز در آیهی ۲۲ سخن می‌گوید (این نقل قول دوباره نشان می‌دهد که چطور عهد جدید کاملاً سخن گفتن عیسی را در مزامیر می‌بیند).

مزمورنویس در واقع نام خدا را اعلام می‌کند؛ به ویژه دربارهی رحمت نجات‌بخش او: «زیرا مسکنت مسکین را حقیر و خوار نشمرده، و روی خود را از او نپوشانیده است؛ و چون نزد وی فریاد برآورد، او را اجابت فرمود» (آیهی ۲۴). چنین اعلامی برای ماموریت خدا در دنیا حیاتی

است. همانطور که کالون نوشت، «خدا کلیسای خود را تنها از طریق کلام ایجاد می‌کند و افزایش می‌دهد.» آنها که رحمت خدا را تجربه کرده‌اند، می‌باید به دیگران درباره‌ی آن بگویند.

اگرچه خدا برای تحقق اهداف خود از ابزارهای مختلف استفاده می‌کند، جلال تنها از آن اوست زیرا اوست که از طریق آنها عمل می‌کند و پیروزی آنها را تضمین می‌کند. به همین دلیل، این مزمور با چنین قطعیتی به پایان می‌رسد: «او این کار کرده است» (آیه‌ی ۳۱). خدای ما دعا‌هایمان را می‌شنود، به وعده‌های خود عمل می‌کند، و ما را از ستایش سرشار می‌سازد. «زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است؛ و او را تا ابدالآباد جلال باد، آمین» (رومیان ۱۱: ۳۶).

همچنان که می‌کوشیم تا مزمور ۲۲ را درک کنیم تا بتوانیم آن را برای خود به کار ببریم، لازم است که جهت تاریخ کلیسا را در آن ببینیم: ابتدا رنج و سپس جلال. همچنین لازم است که یک مسیر خداترسی برای کلیسا و افراد مسیحی را در آن ببینیم. آن مسیر، این است: مشکلات حقیقی و گریزناپذیر این دنیای سقوط کرده، باید ما را به سوی دعا سوق دهند. دعا باید ما را به یادآوری و تمرکز بر وعده‌های خدا سوق دهد؛ هم آنها که در گذشته محقق شده‌اند و هم آنها که ایمان داریم در آینده محقق خواهند شد. یادآوری وعده‌های خدا به ما کمک می‌کند تا آنطور که باید، او را ستایش کنیم. وقتی او را ستایش می‌کنیم، می‌توانیم با فیض و ایمان با مشکلاتی که روزانه در زندگی داریم، روبرو شویم.

دکتر دبلیو. رابرت گادفری، بعنوان رئیس هیئت مدیره و همچنین یکی از معلمین همکار در سازمان خدمات لیگونیئر می‌باشد. ایشان همزمان بعنوان استاد افتخاری در تاریخ کلیسا و همچنین رییس افتخاری در دانشگاه الهیات Westminster Seminary California است. دکتر گادفری معلم درس [بررسی تاریخ کلیسا](#) در سازمان خدمات لیگونیئر می‌باشد که این مجموعه در ۶ قسمت ارائه شده است. دکتر گادفری نویسنده‌ی کتاب‌های بسیار می‌باشند که می‌توان به بعضی از آنها در اینجا اشاره کرد: [God's Pattern for Creation, Reformation Sketches, An Unexpected Journey, Learning to Love the Psalms, Saving the Reformation](#).

این مقاله در وبسایت [سازمان خدمات لیگونیئر](#) منتشر شده است.